

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»  
۱۷ اکتوبر ۲۰۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم

## مجاهد لقب دایمی نیست !

۲

### جهاد در برابر منافق و فاسق:

کلمه «منافق» از ریشه «نفاق» به معنی خروج است. نفاق دارای معنای وسیعی است از جمله هر آن شخصی که :  
زبانش با عملش موافق و هماهنگ نباشد ، سهمی از نفاق را دارا می باشد .  
نفاق، مصدر است به معنای منافق بودن. نفاق، صفت افراد بی ایمان است که ظاهراً در صف مؤمنین هستند اما در باطن در جماعت کفار قرار دارند .  
بناءً گفته می توانیم که: منافق کسی است که در باطن، کافر ولی ظاهراً مسلمان است. علت این تسمیه آن است که منافق از ایمان به طرف کفر خارج شده است. منافق، خط زندگی مشخصی ندارد و در میان هر گروهی به رنگ آن گروه در می آید.. در فرهنگ دینی، منافق از کافر خطرناک تر، دشمنی و عداوتش مخرب تر و عذاب او در آخرت از کافر سخت تر است.

### و فاسق:

اصطلاح فاسق به شخصی اطلاق می گردد که متهم به انجام فسق و فجور باشد. فسق به عملی گفته می شود که بیرون از دایره عقلانی و شرعی صورت گیرد . بنابر این انسان فاسق، شاید از نظر اعتقادی شخصی راست اندیش باشد، ولی در مقام عمل، انسانی راست کار نیست.  
از نظر اعتقادی انسان فاسق از ایمان محکم و استواری برخوردار نمی باشد ، حکم شرع همین است که : شخص فاسق، به صورت کل انسانی سست ایمان می باشد . با آن که به احکام شرعی اقرار و از نظربینشی التزام دارد، ولی در مقام عمل، چنین التزامی را مراعات نمی کند و خلاف اعتقادات عمل می کند . (مفردات الفاظ قرآن کریم، صفحه ۶۳۶  
ذیل کلمه فسق)

انسان مؤمن زمانی به فسق متهم می شود که در جامعه، اعمال ضد شریعت و خلاف رفتاری های شرعی صورت می گیرد در مقابل آن رسالت خویش را انجام نمی دهد .

بناءً اگر یک شخص با امر به معروف و نهی از منکر در مقابل منافقین و فاسقین و شبهات این اشخاص مبارزه و عمل می کند ، این عمل شان هم در جمله جهاد محسوب می گردد .

### خواننده محترم !

طوری که در فوق هم یاد آور شدیم ، جهاد در برخی از حالات دفاعی و در برخی از اوقات حالاتی تعرضی به خود اختیار می کند .

جهاد عملی نیست که در زندگی یک بار فرض گردد مانند سایر فرایض اسلام مانند فریضه حج که در زندگی یک بار فرض می باشد ، و یا فریضه نماز که بالای مسلمانان تا آخر زندگی وحتى تا لحظه مرگ فرض می باشد ، حتی در حالات مریضی ، سفر و حضر .

بناءً گفته می توانم که فرضیت جهاد در برخی از اوقات بالای مسلمانان حالات استمراری را به خود می گیرد ، و در برخی از اوقات حالات موقتی برای خود دارد ، که ضرورت است در باره هر کدام از این حالات به تحقیقات مفصلی پرداخت .

مبحث امروزی ما در باره لقب جهاد و مجاهد است که هدف اینان از جهاد چیست و چرا عده ای به رفتن چند روز محدود به جبهات جهاد این صفت مقدس را برای خود نه تنها ابدی ساخته اند ، بلکه شمشیر فتوای شان چنان تیز شده که حالا حکم کفر را بر سایر مسلمانان که بنابر شرایط نتوانستند به جبهات جنگی بروند ، هم استعمال می نمایند .

در صحیح بخاری حدیثی داریم که آن را حضرت ابوموسی رضی الله تعالی عنه روایت فرموده و در آن آمده است: در یکی از روزها یکتن از صحابه از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسیدند که: « عَنْ أَبِي مُوسَى ، قَالَ : سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الرَّجُلِ يُقَاتِلُ شَجَاعَةً ، وَيُقَاتِلُ حَمِيَّةً ، وَيُقَاتِلُ رِيَاءً أَيُّ ذَلِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « مَنْ قَاتَلَ لِيَتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا فَهُوَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ » . رواه البخاري شماره حدیث ۵۰۴۲ ( شخصی برای قومیت می جنگد، و شخص دیگر برای این که غیرت خود را نشان دهد می جنگد و شخص دیگر می خواهد که خود را مشهور سازد می جنگد ، کدام یکی از اینها مجاهد در راه خدا محسوب می شوند ؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند : شخصی که برای اعلاى كلمه الله جهاد می کند ، آن شخص در جمله مجاهد به شمار می آید ) این بدین معناست کسانی که برای قومیت و قوم پرستی و اشخاصی که برای غیرت و یا هم اشخاصی که در بین مردم به شهرت برسند و به حیث قهرمان ملی شهرت یابد و یا این که مردم بگویند که فلان شخص قهرمان ، شخص شجاع و مجاهد است ، از فهم حدیث متبرکه طوری استنباط می شود که همه این افراد که به خاطر نام و نصب و شهرت و جمع آوری مال و ثروت به جهاد رفته اند ، در جمله مجاهدین محسوب نمی گردند ، بلکه آنعه از اشخاص در جمله مجاهدین واقعی محسوب می باشد که غرض اعلاى كلمه الله اخلاصمندانانه جنگیده باشد .

در حدیث دیگری که آن را حضرت ابوهریره رضی الله عنه روایت نموده آمده است :

« عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ ، قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ، إِنَّ أَوَّلَ النَّاسِ يُقْضَى عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ اسْتَشْهَدَ فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَتَهُ فَعَرَفَهَا ، فَقَالَ : مَا عَمِلْتُ فِيهَا ؟ قَالَ : قَاتَلْتُ فِيكَ حَتَّى اسْتَشْهَدْتُ ، قَالَ : كَذَبْتَ وَ لَكِنَّكَ قَاتَلْتَ لِأَنَّ يُقَالَ جَرِيءٌ فَقَدْ قِيلَ ، ثُمَّ أَمْرٌ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ وَ رَجُلٌ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَ عَلَّمَهُ وَ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَةً فَعَرَفَهَا ، قَالَ : فَمَا عَمِلْتُ فِيهَا ؟ قَالَ : تَعَلَّمْتُ الْعِلْمَ وَ عَرَفْتُهُ وَ قَرَأْتُ فِيكَ الْقُرْآنَ قَالَ : كَذَبْتَ وَ لَكِنَّكَ تَعَلَّمْتَ الْعِلْمَ لِيُقَالَ إِنَّكَ عَالِمٌ وَ وَقَرَأْتَ الْقُرْآنَ لِيُقَالَ هُوَ قَارِئٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمْرٌ بِهِ فَسُحِبَ عَلَى وَجْهِهِ حَتَّى أُلْقِيَ فِي النَّارِ ، وَ رَجُلٌ وَ سَعَّ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَعْطَاهُ مِنْ أَصْنَافِ الْأَمْوَالِ كُلِّهَا فَأَتَى بِهِ فَعَرَفَهُ نِعْمَتَهُ فَعَرَفَهَا قَالَ فَمَا عَمِلْتُ فِيهَا قَالَ مَا تَرَكْتُ مِنْ سَبِيلِ حُبِّ أَنْ يَنْفَقَ فِيهَا إِلَّا

أَنْفَقْتُ فِيهَا لَكَ قَالَ كَذَّبْتَ وَ لِحَنِّكَ فَعَلْتَ لِيُقَالَ هُوَ جَوَادٌ فَقَدْ قِيلَ ثُمَّ أَمْرِيهِ فَسُحِبَ عَلَيَّ وَجْهِي ثُمَّ أُلْقِيَ فِي النَّارِ. ( رواه مسلم )

ترجمه : از ابو هريره (رضی الله عنه) روایت است که رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) فرمودند : « اولین قضاوت در روز قیامت دربارگاه الهی در مورد شخصی خواهد شد که (در میدان جهاد) شهید شده است. این شخص به محضر الهی آورده می شود؛ آنگاه خداوند متعال به او می گوید : من به تو چه نعمتهای فراوانی داده بودم ؟ او به همه نعمتهای خداوند اعتراف می کند؛ سپس خداوند از او می پرسد که از آن نعمتها چگونه استفاده کردی؟ (و برای چه اهدافی استفاده کردی) او می گوید (آخرین عمل من این بود) که در راه تو جهاد کردم تا این که شهید شدم (و بدینسان عزیزترین و گرانبهارترین چیز یعنی جان خودم را در راه تو فدا کردم) خداوند متعال به او می گوید : تو دروغ می گوئی تو در جهاد برای این هدف شرکت کردی که جرأت و شجاعت تو برای مردم معلوم شود پس (این هدف تو حاصل شد و در دنیا) شجاعت تو شایع شد و مردم از آن آگاه شدند. آنگاه خداوند دستور می دهد و او به صورت واژگون در جهنم انداخته می شود. شخص دیگری را می آورند که علم دین را فرا گرفته و به دیگران نیز علم آموخته است. و قرآن را خوب خوانده است. خداوند نعمتهای اعطائی خود را برای او بیان می کند و او به آنها اعتراف می کند. آنگاه از او می پرسد: بگو تو از این نعمتهای من چه استفاده گرفتی ؟ (و برای چه اهداف و مقاصدی از آنها بهره گرفتی) او می گوید : بار الها ! من علم تو را حاصل کردم و به دیگران تعلیم دادم و برای رضای تو مشغول کتاب تو، قرآن مجید شدم. خداوند متعال به او می گوید: تو دروغ گفتی. تو علم دین و قرآن را برای این منظور آموختی و خواندی که مردم تو را عالم، قاری و عابد گویند پس (این مقصد تو در دنیا تو را حاصل شد) عالم، عابد و قاری بودن تو برای مردم خوب معلوم شد و میان آنها شایع شد. آنگاه خداوند دستور می دهند تا او را نیز به صورت واژگون در جهنم بیندازند. شخص سومی را می آورند که خداوند متعال به او در دنیا مال و ثروت فراوانی عطا کرده خداوند نعمتهای خود را که به او داده برای او بیان می کند و او به همه آنها اعتراف می کند آنگاه خداوند از او سوال می کند که تو از این نعمتهای من چه فایده ای گرفتی؟ (و برای چه اهدافی آنها را صرف کردی) او می گوید : بارالها! در هر راهی و کاری که رضای تو بوده من مال خودم را برای رضای تو خرج کرده ام، خداوند به او می گوید تو دروغ می گوئی، در واقع همه اینها را خرج کرده بودی تا آوازه ات بین مردم بلند شود و مردم تو را سخی گویند پس (این مقصد تو در دنیا حاصل شد) سخاوت و بذل اموال تو ، خوب بین مردم زبان زد آنها شد. سپس خداوند دستور می دهد تا او را نیز به صورت واژگون در دوزخ بیندازند. شرح: العظمة الله! چه حدیث تکان دهنده ای است ؟ در بعضی از روایات همین حدیث، مذکور است که ابو هريره (رضی الله عنه) گاهی اوقات هنگام بیان این حدیث ، بیهوش می شد. نیز از حضرت معاویه (رضی الله عنه) نقل شده است که یک بار این حدیث برایش بیان شد چنان گریه کرد که در آخر بی حال و بیهوش شد. آن سه عملی که در این حدیث مذکوراند یعنی تحصیل و تعلیم علم دین، مشغول بودن در قرآن و فداکاری جانی و مالی در راه خدا، بدیهی است که این هر سه عمل از عالی ترین اعمال صالحه هستند و اگر همراه با اخلاص باشند، پاداش آنها بدون شک خوشنودی الله و بهشت برین خواهد بود. ولی همین اعمال چون به منظور شهرت طلبی و نمایاندن به مردم و یا دیگر اغراض و مقاصد دنیوی همراه باشند چنان گناه بزرگی به نزد الله تعالی به حساب می آیند که پیش از دیگر گناهکاران (مانند دزدان، راهزنان، قاتلان و زنا کاران و غیره) فیصله دوزخ برای آنها صادر می شود و قبل از همه، همین گروه به دوزخ انداخته می شوند.

**خواننده محترم !**

طوری که گفته آمدیم ، مجاهد حقیقی و واقعی شخصی است که با نیت خالص و نیت پاک برای اعلاى کلمه الله و قائم نمودن یک نظام اسلامی مطابق قانون الهی و سنت نبوی به میدان جهاد شتافته باشد .

مجاهد واقعی شخصی است که در قلبش حب اسلام بوده و در راه الله جهاد نموده و نیتش خدمت به دین مقدس اسلام ، وطن و خدمت و خیر رسانیدن به برادر مسلمان و هم‌نوع خویش باشد .

الله تبارک و تعالی در سوره البقرة آیت ۲۰۷ یکی از اوصاف بندگان مجاهدش را چنین بیان فرموده است : « وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ » (و در میان مردم کسی یافته می شود که جان خود را (که عزیزترین چیزی است که دارد) در برابر خوشنودی خدا قربان می کند (و رضایت الله را بالاتر از دنیا و مافیها می شمارد و همه چیز خود را در راه کسب آن تقدیم می دارد) و خداوندگار نسبت به بندگان بس مهربان است (و به آنان در برابر کار اندک، نعمت جاوید می بخشد و بیش از توانائی انسانی برایشان تکالیف و وظائف مقرر نمی دارد).

نباید فراموش کرد که مجاهد واقعی از جمله مقرب ترین و محبوب ترین بنده گان الهی است، مجاهد واقعی و حقیقی کسیست که همیشه و در همه حالات زندگی خود را مکلف به متابعت و فرمان برداری از اوامر الهی دانسته و از نواهی اش اجتناب می کند.

پروردگار با عظمت می فرماید: « إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (التوبة آیت ۱۱۱) (بیگمان خداوند (کالای) جان و مال مؤمنان را به (بهای) بهشت خریداری می کند. (آنان باید) در راه خدا بچنگند و بکشند و کشته شوند. این وعده ای است که خداوند آن را در (کتابهای آسمانی) تورات و انجیل و قرآن (به عنوان سند معتبری ثبت کرده است) و وعده راستین آن را داده است، و چه کسی از خدا به عهد خود وفاکننده تر است؟ پس به معامله ای که کرده اید شاد باشید، و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است..)

بزرگترین آرمان و آرزوی یک مجاهد واقعی همانا اعلاى کلمه الله قائم نمودن یک نظام اسلامی در زمین خدا است . مجاهد واقعی کسی که در مشقت ها و تکالیف زندگی خود و برادر مسلمانان را روشن می سازد.

مجاهد واقعی کسی است که در دفاع از دین مقدس اسلام با کمال میل جان و مالش را بی دریغ در راه خدا قربان می کند صرف به خاطر حصول خوشنودی رب العالمین و نمی گذارد که دشمن اسلام به حریم و مقدسات دین اسلام تجاوز کند . مجاهد واقعی کسی است که از بیت المال و دارائی عامه حراست و از سوء استفاده رشوت، غصب زمین، جلوگیری کند. مجاهد واقعی کسی است که از سلاح خویش برای دفاع از دین ، ناموس و وطن و مردم خویش استفاده کند و برای استقرار صلح و امنیت مردم خویش شب و روز تلاش کند .

مجاهد واقعی کسی است که از لحاظ اخلاقی ، انسان متواضع ، حلیم ، بردبار با شرف و مدافع نوامیس مردم باشد ، با حوصله و خوش روئی با مردم برخورد کند نه این که برای اغراض شخصی و قومی و لسانی خویش سلاح به دست و مردم را به نام های مختلفی ازار و اذیت کند ، از نام اسلام و مجاهد استفاده کند، و سلاح خویش را وسیله ازار و اذیت مردم قرار دهد .

مجاهد واقعی آن نیست که امنیت مردم را سلب کند ، شهر ، کوچه و بازار راه و زندگی آرام را بر مردم تنگ بسازد و موجب تداوم جنگ و خانه جنگی باشد .

مجاهد واقعی آن نیست که به مال ، جان ، ناموس و حیثیت مردم تجاوز کند .

مجاهد واقعی آن نیست که شخصی متکبر ، مغرور ، احساساتی ، بی حوصله ، بد معامله با مردم باشد .

علماء می فرمایند که اساس و بنیاد جهاد برای دفع فساد وضع گردیده است ، با تأسف باید گفت که مجاهدین امروزی ما به افتخارات کسب کرده ، و مال غنیمت جهاد و مجاهد اکتفاء نکرده بلکه با ضمیمه ساختن القاب چون جهاد و مقاومت موجب فساد و مصیبت های عظیمی برای جامعه اسلامی افغانستان گردیده اند . مصیبت هایی که تاریخ مسلمانان ، و تاریخ بشریت و تاریخ جهاد به یاد ندارد .

هدف نهائی یک شخص مجاهد همین است که رضای پروردگار و تطبیق قانون الهی در روی زمین حاصل آید ، قانونی که فساد ، و اعمال غیر انسانی را از روی زمین بردارد ، و این یکی از رسالتها و وظایف خلافتش در روی زمین هم محسوب می شود که پروردگار با عظمت آن را بر دوش وی گذاشته است و از خداوند می خواهیم که توفیق مزید نصیب فرماید تا در این رسالت و جاییش را به موافقت اداء و آنده اشخاصی را که در این راه به شهادت رسیدند جنت فردوس نصیب فرماید .

ناگفته نباید گذاشت که پروردگار با عظمت ما خودش علیم و دانا است ، که کی برای چه جنگ نموده است ، و کی برای چه از نام مقدس جهاد استفاده و فایده می برد . ولی پروردگار برای ما علم و درایت نصیب فرموده که می توانیم حکم و قضاوت نمائیم که این انصاف نیست : که افتخارات جهاد کرد تمام ملت افغانستان را در یک منطقه و یا هم در نام چند نفر شهید منحصر بسازیم . از مواخذة الله باید ترسید . روز بازخواست و محاکمه الهی در پیش رو داریم .

### شهید و شهادت :

در این هیچ جای شکی نیست که ما باید بزرگان و شهدای خویش را مطابق به قواعد و قوانین شرعیت غرای محمدی احترام بگذاریم . بزرگداشت نموده و به روح شان دعای مغفرت بفرستیم و از پروردگار با عظمت تنما نموده که گناهان شان را عفو و جای شان در بهشت برین باشد .

در حدیثی آمده است که : « به مردگان ناسزا نگوئید زیرا که آنان به نتیجه اعمال شان رسیده اند » (صحیح بخاری حدیث ۱۳۹۳)

لذا خاصه و وجیبه ما مسلمانان است که مرده و متوفای خویش را به القاب نیک یاد نمائیم و برایش از درگاه ایزد متعال طلب مغفرت و بخشش بخواهیم ، خداوند آنان را غریق رحمت خویش قرار دهد .

در مورد این که در شرع اسلامی به چه کسی خطاب شهید و اطلاق شهید می گردد و گفته می شود و به کی نه؟ موضوعی است قابل بحث و مورد اختلاف علماء و مفسرین اسلام .

ولی اگر شخصی با نیت خالصانه و به امید کسب اجر و پاداش و نائل شدن به مقام شهادت در راه الله متعال با دشمنان الله و دینش بجنگد و در این راه کشته شود، امید است الله متعال وی را به عنوان شهید پذیرا باشد، و از گناهانش درگذرد، الله تعالی می فرماید:

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ \* تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ \* يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ » (سوره صف ۱۰-۱۲).

یعنی : (ای مؤمنان آیا شما را به معامله ای رهنمود سازم که شما را از عذاب بسیار دردناک نجات می دهد؟) (و آن این است که) به الله و پیامبرش ایمان می آورید، و در راه الله با مال و جان جهاد می کنید اگر بدانید این برای شما از هر چیزی بهتر است. (اگر این تجارت را انجام دهید الله گناهان تان را می بخشد و شما را به باغ های بهشتی داخل

می‌گرداند که از زیر آن جویبارها روان است، و شما را در منازل و خانه‌های خوبی جای می‌دهد که در باغ‌های بهشت جاویدان و ماندگار، واقع شده‌اند.)

و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «لِلشَّهِيدِ عِنْدَ اللَّهِ سِتُّ خِصَالٍ، يَغْفِرُ لَهُ فِي أَوَّلِ دَفْعَةٍ، وَ يَرَى مَقْعَدَهُ فِي الْجَنَّةِ، وَ يَجَارُ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَ يَأْمَنُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ، وَ يَوْضَعُ عَلَى رَأْسِهِ تَاجُ الْوَقَارِ، الْيَاقُوتَةُ مِنْهَا خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، وَ يَزُوجُ ثَنَيْنِ وَ سَبْعِينَ زَوْجَةً مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَ يَشْفَعُ فِي سَبْعِينَ مِنْ أَقْرَبَانِهِ» ترمذی (۱۷۱۲).

یعنی: «شهید نزدالله شش خصلت دارد: با ریخته شدن اولین قطره خون او گناهانش بخشیده می‌شود، و جایگاهش را در بهشت می‌بیند و از عذاب قبر محفوظ می‌ماند و از فزع اکبر (هیبت قیامت) در امان می‌ماند و بر سرش تاج وقار گذاشته می‌شود، که تنها یک یاقوت از آن از دنیا و آنچه در آن است بهتر است، و هفتاد و دو زن از حوریان (چشم‌درشت) بهشتی را به ازدواجش درمی‌آورند، و برای هفتاد نفر از نزدیکانش شفاعت می‌کند».

با این وجود در حدیث صحیحی که عبدالله بن عمرو العاص روایت می‌کند، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «يُغْفَرُ لِلشَّهِيدِ كُلُّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ» مسلم (۱۸۸۶). یعنی: «هر گناهی برای شهید مورد مغفرت قرار می‌گیرد به جز قرض و بدهی»....

از جناب شیخ ابن عثیمین سؤال شد: آیا شهادت در راه خدا گناهان را پاک می‌کند؟ ایشان در پاسخ فرمودند: «شهادت گناهان را پاک می‌کند به جز قرض و دیون، هرگاه مسلمانی بدهی بر گردن داشته باشد، شهادت آن را برایش اداء نمی‌کند (و گناهش را پاک نمی‌گرداند)، و پرداخت کردن قرض و دیون لازم است، و برای همین پیامبر صلی الله علیه وسلم قبل از آنکه الله متعال برایش فتح و پیروزی و مال بیاورد هرگاه جنازه ای نزد ایشان می‌آوردند، ابتداء سؤال می‌کرد: آیا او، قرضدار است؟ اگر می‌گفتند: خیر، پیامبر صلی الله علیه وسلم جلو رفته و بر آن جنازه نماز می‌خواندند، و اگر می‌گفتند: آری، و چیزی نداشت که قرضش را با آن بدهند، پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز بر آن نماز نمی‌خواند و به یارانش می‌فرمود: «صَلُّوا عَلَيَّ صَاحِبِكُمْ» شما بر رفیقان، نماز جنازه بخوانید. بخاری (۲۲۹۵)، و مسلم (۱۶۱۹)».

(مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین) (۴۰۵/۲۵).

همچنین از جناب علامه ابن عثیمین درباره معنای حدیث «يَغْفِرُ اللَّهُ لِلشَّهِيدِ كُلَّ ذَنْبٍ إِلَّا الدَّيْنَ» سؤال شد، که ایشان اینگونه پاسخ دادند: «یعنی الله عزوجل هر گناهی را برای شهید مورد غفران قرار می‌دهد به جز بدهی (که دارد)؛ زیرا بدهی و قرض حق الناس است و پس دادن آن لازمست، اما اگر مسلمانی قرضی گرفته باشد و قصد پس دادن و ادای آن را داشته باشد، از پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شده که ایشان فرمودند: «مَنْ أَخَذَ أَمْوَالَ النَّاسِ يَرِيدَ أَدَاءَهَا أَدَى اللَّهِ عَنْهُ، وَمَنْ أَخَذَهَا يَرِيدَ إِتْلَافَهَا أَتْلَفَهُ اللَّهُ» یعنی: «کسی که مال مردم را با نیت پس دادن، قرض بگیرد، خداوند در ادای آن به او کمک می‌کند و کسی که مالی را با نیت تلف کردن، قرض بگیرد، خداوند آن مال را تلف می‌کند» بخاری (۲۳۸۷). پس اگر این شهید که قرضدار است، قرضش را از شخصی گرفته و اراده و قصد بازپس دادنش را داشته، الله متعال برایش اداء می‌کند، حال یا آن که در دنیا فردی یافت می‌شود که به جای او قرضش را اداء می‌کند، و یا آن که الله متعال در روز قیامت به فرد طلبکار درجات و امتیازاتی می‌دهد و یا (بعضی) گناهانش را می‌بخشد» (مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین) (۴۴۶/۲۵).

**نامگذاری نام مقدس شهید :**

آیا جایز که ما هر شخص را شهید خطاب نمایم؟ پروردگار با عظمت ما در (آیت ۳۶ سورة الاسراء) میفرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولاً» (و از چیزی که بدان علم نداری (در مرحله اعتقاد و گفتار و عمل) پیروی مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، هر يك مورد سؤال قرار خواهند گرفت (از انسان درباره کارهای آنها و از آنها درباره کارهای خودشان می‌پرسند) واقعاً چه زیبا فرموده است که انسان در مورد چیزی که از آن علم و آگاهی ندارد، نباید از آن پیروی کند بلکه غرض احتیاط از گفتن در مورد چیزی که علم ندارد خود را نگاه دارند. چرا که: زبان، قلب، گوش، دست، بینی، و قلم در روز اخرات جواب گوی اعمال و کردار خویش می‌باشند.

عالم ومفتی شهیر جهان اسلام علامه شیخ ابن عثیمین طی فتوائی می فرماید: «جایز نیست که به صورت عینی بگوئیم فلانی شهید است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَكَلِّمُ أَحَدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يَكَلِّمُ فِي سَبِيلِهِ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّوْنُ لَوْنُ الدَّمِ وَالرَّيْحُ رِيحُ الْمِسْكِ»، (سوگند به آن ذاتی که جانم در دست اوست هیچ کس در راه الله زخمی نمی‌شود مگر آن که در روز قیامت با همان زخم می‌آید در حالی که رنگ، رنگ خون است و بو، بوی مشک، و الله تعالی بهتر می‌داند چه کسی در راه او زخمی می‌شود). بخاری (۲۸۰۳).

(در این حدیث، پیامبر صلی الله علیه وسلم) علم آن را به الله متعال نسبت داده است و اگر اینگونه است پس جایز نیست که برای شخصی شهادت و گواهی دهیم به این که او شهید است؛ زیرا اگر ما گواهی دهیم که او شهید است در واقع گواهی داده ایم به این که او به بهشت می‌رود، حال آن که از جمله اصول اهل سنت و جماعت آنست که به جنتی بودن احدی گواهی نمی‌دهیم مگر آنکسی را که رسول خدا صلی الله علیه وسلم به جنتی بودنش شهادت داده باشد. و بر این مبنا می‌گوئیم: امید است که فلانی جزو شهداء باشد، و همین (جمله در حق وی) کافیهست، زیرا اگر واقعاً نزد الله متعال شهید باشد پس واقعاً شهید است چه ما به او شهید بگوئیم یا نگوئیم، و اگر هم نزد خدا شهید نباشد پس جزو شهداء محسوب نمی‌شود هر چند که ما وی را شهید بنامیم». (برای معلومات مزید مراجعه شود: به مجموع فتاوی و رسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين (۳۸۷/۲۵).

برای تکمیل بحث لزوماً یادآوری باید کرد که تحت نام جهاد به ریختن خون بی گناه، ضرر به مال و جان انسانهای بی گناه با ارتکاب عمل انتحاری و گرفتن حق توبه حتی از متخلف شرعاً مجاز نیست. به عکس عامل ریختن خون انسانهای بی گناه شدن شرعاً حرام و مجاز نمی‌باشد. والله اعلم بالصواب.

### مآخذ:

کتاب (مختصر الأسئلة والأجوبة على العقيدة الواسطية)، ضبط شرعي الهراس وابن عثیمین للعقيدة الواسطية بالسؤال والجواب، تهیه و تنظیم: مضحی بن عبید معثم مری سایت جامع فتاوی اهل سنت و جماعت

### تتبع ونگارش:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتژیک افغان و مسؤول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی